



## پیش گفتار

«این پیش گفتار برای آن عده از علاقه‌مندان پژوهش‌های تاریخی و عزیزانی نوشته شده است که از سر ناآگاهی روی داده‌های تاریخی و پژوهش‌های فرهنگی را چنانچه باب طبع و میل آن‌ها نباشد، مخرب، دروغ، تهمت‌زا، نژاد پرستی و هتک حرمت به نژادها می‌دانند. برای جلوگیری از چنین برداشت‌های ناآگاهانه و غیرمنطقی پیشنهاد می‌شود به جای برخورد مقطعی و انفرادی با یک بخش از این پژوهش تاریخی، به تمام بخش‌های آن توجه شده و تمام متن از ابتدا تا انتها بی‌گیری شود.»

انسان‌ها آلوده شود، از نگاه تاریخ که عادلانه‌ترین پنجره به سوی روشن شدن حقیقت است، به محاکمه کشیده می‌شود. بنابراین اگر اشاره می‌شود که ترکان سلجوقی و یا هر یک از نژادهای دیگر ترک دارای آن ویژه‌گی‌های ضد اخلاقی و ضد انسانی بودند، این موضوع هرگز به معنای نژاد پرستی و یا محکوم نمودن نژاد ترک نیست. زیرا همین موضوع ممکن است در بین نژادهای سفید، سیاه و یا سرخ هم به فراوانی وجود داشته باشد. فراموش نکنیم برابر اسناد تاریخی در بین نژاد سیاه، قوم و قبیله‌هایی بودند که هم نوعان خود را می‌خوردند. و یا در بین برخی از قبیله‌های سرخ‌پوستان آمریکایی، تیره‌هایی بودند که آدم‌کشی، خون‌ریزی و آدم‌خواری در بین آن‌ها پدیده‌ای بسیار پیش پا افتاده و آسان بود. مگر همین سفید پوستان به گواهی تاریخ و فرهنگ گذشته و معاصر عامل فجایع بی‌شمار انسانی در سر تا سر گیتی نبوده‌اند؟ این قتل عام‌های بی‌شمار، تجاوز، ستم‌گری، آدم‌کشی و آدم‌سوزی‌های میلیونی توسط چه نژادی جز نژاد سفید انجام شده است. مگر شخصیت بیمارگونه، دیکتاتور و نژادپرستی مانند هیتلر از نژاد خالص سفید نبود؟! اگر نژاد سفید در این مورد ویژه مقصر شناخته شده و محکوم شود، آیا نژاد پرستی علیه نژاد سفید صورت گرفته است؟ ناآگاهی از مسایل تاریخی، قومی، نژادی و انسانی دردسرهای بی‌شماری برای ما ایجاد خواهد کرد.)

«مجله فردوسی»

فراموش نکنیم! برابر اسناد و مدارک تاریخی که در پایان هر یک از گفتارها به منابع علمی آن اشاره شده است، ترکان باز مانده از نژاد زرد و فرزندان ناخلف چنگیز، تیمور و هلاکو به علت رفتارهای فردی و ساختارهای فرهنگی، قومی و قبیله‌ای خود، از آلودگی‌های اخلاقی و رفتاری بسیار زشت و ناپسند برخوردار بودند که در هر فرهنگ و آیینی مطرود و نفرین شده است. اگر در گفتار «۵۰۰۰ سال تاریخ تمدن» به ویژه‌گی‌های اجتماعی و اخلاقی ترکان اشاره می‌شود، منظور ترکانی بیابان گرد و وحشی هستند که جز قتل، غارت و پراکندن فساد کار دیگری نداشتند و در پناه همان بی‌رحمی‌ها و قتل عام‌ها در گوشه و کنار گستره پهناور ایران زمین از آغاز قرن سوم تا قرن‌ها بعد با بی‌داد حکومت کردند و جز ویرانی و قتل عام و فساد چیزی از خود باقی نگذاشتند. ترکان آل افراسیاب، تاتار، غز، تغز، قفچار و ..... از این گروه هستند.

در این گفتار تاریخی به هیچ روی فرودستی و یا بالادستی نژادی و قومی مورد نظر نیست و هر قوم و قبیله و نژادی که ناسازگار با قراردادهای اجتماعی و ستیزه جو با حقوق انسان‌ها باشد، می‌تواند نا به کار، شرور، ستم‌گر و فاسد باشد. در قضاوت‌های تاریخی، نژادهای آریایی، سامی، ترک، ژرمن، هون، زرد، سرخ، سفید و سیاه هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و هر نژادی چنانچه به هرزه‌گی، فساد، بی‌عدالتی، ستم‌گری و تجاوز به حقوق

# پژوهشی کوتاه در ۵۰۰۰ سال تاریخ تمدن ایران

## «تجدید حیات نهضت ادبی ایران»

بخش پژوهش‌های تاریخ و تمدن مجله‌ی فردوسی

ادامه گفت‌وگو از شماره قبل

کارهای مختلف در اختیار صاحب جدید قرار می‌گرفتند. بیش‌تر غلامان ترک در سن کم معامله می‌شدند و به عنوان ابزار عیش و نوش و هوس‌بازی اربابان خود مورد تجاوز قرار می‌گرفتند.

از نخستین روزهای حکومت ترکان زرد در سرزمین ایران خرید و فروش غلامان ترک به صورت امری رایج و رسمی درآمد و هر کس با توجه به بیهی مالی خود می‌توانست تعدادی غلام و یا غلام بچه خریداری کرده و مالک آن‌ها شود.

**برخی از پادشاهان ترک‌نژاد** لشکری از غلامان زیاروی را در دربار اشرافی! خود داشتند که به عنوان هدیه به آن‌ها تقدیم شده بود و یا به صورت کالایی تجارتي، خریداری کرده بودند. غلام‌ها با توجه به قیمتی که برایشان پرداخت شده بود، از صورت و بدن زیبا، چاق، لاغر، ورزیده، ضعیف و توانا برخوردار بودند و برای



**اتابک، غلام، غلام بچه و برده،** واژه‌گانی هستند که در فرهنگ ترکان زرد جای مناسبی دارند. اتابک، اتابک‌ها یا اتابکان لقبی بود که از عهد سلجوقیان رایج شد. اتابک همان غلام است، اما به ظاهر برای تر و خشک کردن، آموزش، پرورش و پرستاری شاهزادگان سلجوقی از آن‌ها استفاده می‌شده است.

**غلام‌ها در فرهنگ ترکان زرد** به بردگانی گفته می‌شد که در بازار خرید و فروش می‌شدند و برای

**نخستین شعله‌های این آتش بنیاد** برافکن و ویران‌گر که صدها سال تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران را در زیر خاکستر ستم و بی‌داد و قتل عام و غارت و سوختن مدفون کرده، از غلام‌زاده‌ای به نام آلپ‌تکین و بعد از او غلامش سبک‌تکین و سپس محمود غزنوی و... آغاز شد و تا پایان سلطنت ترکان قاجار ادامه یافت.

**به گوشه‌هایی بسیار کوتاه** از زندگی تعداد اندکی از **حاکمان ترک** نگاه می‌کنیم:

**سلجوقیان تیره‌ای** از نژاد زرد هستند که زشت‌ترین عادت‌های اخلاقی موجود در قبیله‌های خود را وارد فرهنگ پاک ایرانی کردند و به مانند یک بیمار طاعونی، تمام اطرافیان خود را به نکبت بیماری خود آلوده نمودند.

**پژوهش و نگارش در مورد نژادهای مختلف و بیان حقایق تاریخی نباید موجب ناراحتی قوم و قبیله‌ای بشود که تیره‌ای از آن نژادند.**



**وقتی تاریخ می‌گوید امیری، وزیری و با  
پادشاهی از یک نژاد مثلاً ترک، فارس،  
عرب، ژرمن و... نابه‌کار، فاسد و شرور  
برده است، هیچ ربطی به کل نژادهای  
انسانی آن قوم و قبیله ندارد و هتک حرمت  
نژادی و یا ضد نژادی نیست!!**

عریان، کم‌ترین نشانه‌های فراموش شده از خاطرات تلخ و سرتاسر شکنجه و بی‌داد ملتی است که در طول ۵۰۰۰ سال تاریخ پرفراز و نشیب خود، هنوز سخت و استوار چون درختان ایستاده زندگی می‌کند و ایستاده می‌میرد.

از **اتابک‌ها گفتیم** و این که پس از شاه شدن شاهزادگان، اتابکان به امارت و ولایت می‌رسیدند. بسیاری از این اتابکان در تاریخ ایران هستند که پس از مرگ ولی نعمت خود با آرامش و یا با جنگ و ستیز جای او را گرفته و پادشاه شده‌اند. برخی دیگر نیز بر ولی نعمت خود شوریده، او را کشته‌اند و به جای او بر تخت پادشاهی تکیه زده‌اند.

دیروز و اتابکان امروز تربیت شده و پرورش می‌یافتند! پس از مرگ و میر پدران خود به عنوان میراث‌خوار پدر، جانشین او می‌شدند. شاهزادگان دیروز و پادشاهان امروز به پاس خوش خدمتی! اتابک خود، حکم استانداری، فرمانداری و یا امارت یکی از ایالت‌ها را به نام او صادر می‌کردند و آن غلام بچه و اتابک دیروز، امروز امیر یا والی یک ولایت می‌شد و به حکمرانی مشغول می‌گردید و آن بلایی را که در دوره کودکی و نوجوانی بر سرش آورده بودند، بر مردم زیر فرمانش نازل می‌کرد.

**این حقایق آشکار و حوادث شوم و**

هم‌خوابی، عیاشی، خدمت، نوکری، پرستاری، حاجبی و غیره از آن‌ها استفاده می‌شد.

بیش‌تر غلام‌هایی که در خدمت پادشاهان ترک بودند، در هنگام بچه‌سالی و نوجوانی، ایام فراغت پادشاه را با هوس‌بازی‌های شاهانه!! و در حرم‌سراها پُر می‌کردند. این از بخت برگشته‌گان اگر از طوفان حوادث و خشم پادشاه پس از کام برگرفتن از آنان! نجات می‌یافتند و به ضرب دشته و خنجر پادشاه عادل! تکه و پاره نمی‌شدند، در هنگام جوانی و بزرگ‌سالی در نقش سوگلی دربار، عهده‌دار تربیت و پرورش شاهزادگان اندرون کاخ‌ها می‌شدند و به لقب «**اتابک**» مفتخر می‌گردیدند.

**بوخی از این** «اتابکان» از ابتدا برای تربیت شاهزادگان ترک استخدام می‌شدند و به عنوان اتابک خرید و فروش می‌شدند.

**از هنگامی که** این غلامان مسؤلیت پرورش و تربیت شاهزادگان را برعهده می‌گرفتند نام آن‌ها از غلام به اتابک تغییر می‌یافت. با گذشت زمان، شاهزادگانی که با آداب تربیت و شیوه‌های نوین آموزشی غلام‌بچه‌گان

## «سلطان سنجر»

### «سلجوقی»

«**راحة الصدور**» چاپ لیدن - انگلستان - ص ۱۴۱ تا ۱۴۵ درباره فضایل اخلاقی!! سلطان سنجر سلجوقی می‌نویسد:

این پادشاه از سال ۴۹۱ تا ۵۵۲ هجری قمری به مدت ۶۱ سال در نهایت وحشی‌گری و بی‌رحمی و



سقوط اخلاقی و کشتار خلق ۲۰ سال در خراسان و ۴۱ سال در سرزمین‌های قبیله‌ی سلجوق زندگی و حکومت کرد. بسیاری از شاعران جیره‌خوار در وصف عدالت‌خواهی، عدالت‌گستری، اخلاق‌پسندیده و مردم‌داری این غلام‌زاده گستاخ‌شعرا سروده‌اند.

**سنجر سلجوقی** تعداد زیادی غلام بچه‌ی ترک در درون کاخ و اندرونی حرم‌سرایش داشت. بسیاری از این غلامان بچه سال و بخت برگشته و بی‌چاره بازیچه و ابزار هوس‌بازی و لهو و لعب عیاشی سلطان مقتدر! بودند.

استفاده می‌کرد و دیگر غلام به کارش نمی‌آمد و از او دل‌زده و سیر می‌شد به شکلی خاص و بسیار وحشتناک آن پسر بچه‌ی بی‌گناه و بدبخت را به قتل می‌رساند.

«سنقر» یکی از همین غلامان سوگلی و حلقه به گوش سلطان عادل! سنجر سلجوقی بود که از بین صدها غلام حاضر در دستگاه پادشاهی‌اش انتخاب شده بود. سلطان سنجر قبل از این که «سنقر» را ببیند با شرحی که دلالت از شکل ظاهری و حالت او در اختیارش گذاشته بودند، نادیده

فراوان بخشیده بود.

**سنجر سلجوقی** پس از تصاحب «سنقر» فرمان می‌دهد تا سرپرده‌ای شاهانه برای پسرک آماده می‌کنند. در وقتی دیگر فرمان دیگری صادر می‌کند که ۱۰۰۰ غلام دیگر بخرند و در رکاب «سنقر» گذارند تا فرمان‌بردار او باشند. سنجر به این هم راضی نمی‌شود. در فرمانی دیگر مقرر می‌کند که خزانه‌ای همانند خزانه‌ی پادشاه و پر از پول، جواهر، طلا و چیزهای قیمتی برای سنقر بسازند و بعلاوه ۱۰/۰۰۰ سپاهی سواره نظام در رکاب این غلام بچه‌ی بخت برگشته، فرمان‌بردار او باشند.

«سنقر» مدتی نزدیک به دو سال بازیچه‌ی هوا و هوس و لهو و لعب شاهانه قرار می‌گیرد. سنجر پس از دو سال معاشرت! با این پسر بچه‌ی بی‌پناه فرمان می‌دهد تا تمام امرا و رجال و مقامات حکومتی در تالار کاخش جمع شوند و قبلاً به آن‌ها می‌گوید هنگامی که او «سنقر» را به درون کاخ و به جمع مقامات حکومتی دعوت می‌کند، به محض ورودش به او حمله کنند و هر کدام با خنجر

**تاریخ چه قضاوتی جز شرارت ، آدم‌کشی ، بداخلاقی ، خون‌خواری و انسان‌ستیزی با چنگیز ، تیمور ، هلاکو (از نژاد ترکان) خلفای اموی و عباسی (از نژاد عرب) تعدادی از پادشاهان ایرانی (از نژاد فارس) هیئتلر ، موسولینی و فرانکو (از نژاد ژرمن) خواهد کرد؟ آیا بر شمردن شرارت‌های این ناسازگاران هستی در یک گفتمان تاریخی نژاد پرستی و هتک حرمت نام دارد؟!**

عاشقش شده بود و آن نوجوان بدبخت را به ۱۲۰۰ دینار طلا خریده و به صاحب قبلی او نیز مال و ثروت

رفتار سلطان سنجر با غلام بچه‌هایش بسیار وحشیانه بود. سلطان سنجر از بین صدها غلام حاضر در دربارش هر وقت که اراده شاهانه! اجازه می‌داد یکی از زیباترین آن‌ها را انتخاب و سپس سوگلی حرم‌سرایش می‌کرد. بی‌چاره آن پسر بچه‌ی بی‌گناهی که مورد توجه و علاقه‌ی شاهانه قرار می‌گرفت. سنجر غلام انتخابی خود را به درون حرم‌سرایش می‌برد. با او عشق‌بازی می‌کرد. مال و جان خود را فدای عشقش می‌کرد. از شام تا سحر او را در بستر خود جای می‌داد و در عالم هوا و هوس حکم سلطنت خود را به آن غلام سوگلی هدیه می‌کرد. پس از مدتی نه چندان طولانی، وقتی از او





که در اختیار دارند، او را تکه تکه کنند. و این جنایت شوم و هراس انگیز درباره «سنقر» به اجرا درمی آید. «قایماز کج کلاه» یکی دیگر از آن حرم سرایش با غلام بجهی دیگری سرگرم عیاشی بود، ناله و فریاد «اختیارالدین» را که توسط مقامات درباری در سرسرای کاخش تکه، پاره

برخوردهای جسمی قرار می گرفتند، چیزی نیست که به توصیف قلم درآید. رفتار این غلام بجهگان دیروزی و حاکمان امروزی با مردم

## تاریخ دولت آل سلجوق (البناداری اصفهانی)، راحة الصدور (راوندی)، تاریخ مغول (عباس اقبال) و صدها کتاب تاریخی دیگر پوشیده از روی دادهای شومی است از سرگذشت نژاد ترک و ایرانی که زیر دست امیران و فرماندهان ترک زندگی مرگ باری را گذرانده اند.

بی چاره و کسانی که بر آن ها حکومت می راندند، داستان شوم و تراژدی غمناکی است که در هیچ کتابی نمی گنجد و هیچ نویسنده ای نمی تواند شرم حادثه را به قلم بیاورد. شگفت این که شاعران فراوانی

می شد، می شوند. سلطان عادل! از اندرونی حرم سرا می فرمایند! «بی چاره جوهر را دارند می کشند!» البته، سرگذشت تمام این غلامان ترک، شوم و بدعاقبت نبود. برخی از اینان از بخت و اقبال بهتری برخوردار

غلام بجه های بدبختی بود که سلطان سنجر او را از بین صدها غلام دیگر برگزیده بود و مانند «سنقر» سوگلی اندرونی کاخ و حرم سرایش کرده بود. عین تراژدی شوم «سنقر» برای «قایماز کج کلاه» نیز تکرار گردید و این بی چاره نیز با دشمنی مقامات دربار تکه، پاره شد.

«اختیارالدین جوهر التاجی» یکی دیگر از این غلامان بجه سال و شوم بختی بود که گرفتار دیوی خون آشام به نام سلطان سنجر شده بود. «اختیارالدین» مدت ها در اندرون کاخ مادر سنجر، خدمت گزار مادر سلطان در حرم سرایش بود!! سلطان سنجر عاشق پیشه! در یک برخورد احساسی عاشق غلام مادرش می شود. به شیوه معمول او را سوگلی حرم سرای شاهی می کند و فرمان می دهد تا مانند یک پادشاه از او فرمان ببرند و در عین حال مقرر می دارد که ۳۰/۰۰۰ نفر سپاهی در فرمان این پسر بجهی کم سن و سال قرار گیرند.

سلطان سنجر پس از مدت ها استفاده از این پسرک بی گناه به مقامات درباری خود فرمان می دهد تا آن تراژدی شوم قطعه، قطعه کردن پسرک به اجرا درآید. سلطان عادل! در حالی که در اندرونی کاخش و در



این کردارهای زشت و غیراخلاقی را می ستودند و برای دریافت سکه و پاداش از این پادشاهان ستایش می کردند و برخی برای رکاب بوسی آنان، نه کرسی فلک را زیر پای ممدوح خود می گذاشتند. شاعرانی که در تعریف و ستایش از رفتار ناشایست پادشاهان ترک نژاد قلم فرسایی کرده اند، کم نیستند. برخی از آنان در شعرهای خود از چشم، لب، دهان، اندام، طراوت صورت، سر، مو، ریز و درشت بودن اندام، کوچکی،

بودند. خوش بخت آن دسته از غلامانی بودند که پس از معاشرت اربابان خود، در سن و سال مردی از سوی مالک خود به امارت و یا حکومت ایالتی منصوب می شدند.<sup>۱</sup>

شیوه رفتار و شخصیت سیاسی این حاکمان و پادشاهان که تا چندی پیش در لباس غلامی مورد زشت ترین

۱- تاریخ دولت سلجوق - چاپ مصر - ص

۲۴۸ تا ۲۵۱

۲- تاریخ ادبیات ایران - دکتر ذبیح الله صفا -

چاپ فردوسی - تهران - ص ۷۱ و ۷۲



## ستمی را که برفی از امیران ، فرماندهان ، اتابکان و پادشاهان ترکی نسبت به نژادهای ترک و ایرانی هواداشته‌اند ، در تاریخ تمدن ایران مانند ندارد.



۱۵- تاریخ معاصر ایران - پیتراوری (استاد دانشگاه کمبریج انگلستان) ترجمه‌ی محمد رفیعی مهرآبادی - انتشارات عطایی - تهران ۱۳۶۳

۱۶- تاریخ ایران باستان تا امروز (۶ مورخ) گراتوسکی، دانداماویو، آ. کاشلنکو، پتروشفسکی، م. ایوانوف، ک. بلوی ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی - انتشارات پویش - تهران

۱۷- تاریخ ایران - رابرت - گرت واتسن - ترجمه‌ی وحید مازندرانی - انتشارات امیرکبیر - تهران ۱۳۴۸

۱۸- مجموعه‌ی بزرگ تاریخ ویل دورانت - ویل دورانت‌ها - ترجمه‌ی گروه مترجمین - انتشارات انقلاب اسلامی

۱۹- تاریخ ایران از دوره باستان تا قرن ۱۸ میلادی (۵ مورخ) پیگولوسکایا، یاکوبوسکی، پتروشفسکی، بلنیتسکی، استرویوا - ترجمه‌ی کریم کشاورز - انتشارات پیام - تهران ۱۳۵۴

۲۰- تاریخ مفصل مشروطیت ایران - عباس اسکندری - انتشارات میخک - تهران ۱۳۶۱

۲۱- مشرق‌زمین گاهواره تمدن - ویل دورانت - ترجمه‌ی دکتر امیرحسین آریان‌پور

۲۲- خاطرات و خطرات - مهدی‌قلی‌خان هدایت (حاج مخبرالسلطنه هدایت) نشر زوار - تهران ۱۳۶۱

۲۳- انقلاب مشروطه ایران - رحیم رضازاده ملک - نشر زوار - تهران ۱۳۷۷

۲۴- تمدن اسلام و عرب - گوستاو، لویون - ترجمه‌ی حضارة العرب - انتشارات اسلامیه - به کوشش: سید هاشم حسینی - تهران ۱۳۵۴

۲۵- ایران، کلد، شوش - مادام ژان ویولافوآ - ترجمه‌ی محمدعلی فره‌وشی - به کوشش دکتر بهرام فره‌وشی - انتشارات دانشگاه تهران - تهران ۱۳۶۹

۲۶- سفرنامه‌ی خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش - مادام ژان ویولافوآ - ترجمه‌ی ایرج فره‌وسی - دانشگاه تهران ۱۳۶۹

- ۴- تاریخ طبرستان
- ۵- تاریخ مغول - عباس اقبال آشتیانی
- ۶- فرهنگ و تمدن ایران - محمود بختیاری
- ۷- هزار سال نثر پارسی - کریم کشاورز - ناشر سازمان کتاب‌های جیبی - تهران ۱۳۴۵
- ۸- دیوان‌های مختلف شاعران قرن سوم هجری به بعد
- ۹- ایران از آغاز تا اسلام - پروفیسور گیرشمن - ترجمه‌ی دکتر محمد معین
- ۱۰- تاریخ بیهقی - به کوشش: دکتر غنی - دکتر فیاض
- ۱۱- معجم‌البلدان - چاپ لایپزیک - کتاب‌خانه‌ی ملی بریتانیا
- ۱۲- راحه الصدور راوندی - چاپ لیدن - کتاب‌خانه‌ی ملی بریتانیا
- ۱۳- تاریخ دولت آل سلجوق - البنداری الاصفهانی
- ۱۴- مجموعه‌ی تاریخ ادبیات ایران - دکتر ذبیح‌الله صفا - انتشارات فردوس - چاپ چهاردهم - تهران ۱۳۷۸

بزرگی، چاقی و لاغری آن‌ها داد سخن داده‌اند که نامی‌ترین آن‌ها عبارتند از:

معزی، انوری، سنایی، فاریابی، خاقانی و....

**و شنیدنی‌تر آن که غلام‌شناسی و غلام‌بابی تخصص ویژه! این عصر است و استادان غلام‌شناس را عالم! و فیلسوف می‌نامیدند و اینان در شناخت و تفکیک مشخصات فیزیکی سر، صورت، گردن و بدن غلام‌ها، کارشناس! بودند و از این راه کارشناسی! به مال و ثروت زیادی دست می‌یافتند!**

ادامه دارد.

### کتاب‌نامه‌ی ۵۰۰۰ سال تاریخ فرهنگ و تمدن ایران

- ۱- قابوس‌نامه - قابوس بن وشمگیر
- ۲- تاریخ حبیب‌السیر - میرخواند
- ۳- تاریخ جهان‌گشای جوینی



## ستمی را که برفی از امیران ، فرماندهان ، اتابکان و پادشاهان ترکی نسبت به نژادهای ترکی و ایرانی هواداشته‌اند ، در تاریخ تمدن ایران مانند ندارد.



۱۵- تاریخ معاصر ایران - پیتراوری (استاد دانشگاه کمبریج انگلستان) ترجمه‌ی محمد رفیعی مهرآبادی - انتشارات عطایی - تهران ۱۳۶۳

۱۶- تاریخ ایران باستان تا امروز (۶ مورخ) گراتوسکی، داندامایو، آ. کاشلنکو، پتروشفسکی، م. ایوانوف، ک. بلوی ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی - انتشارات پویش - تهران

۱۷- تاریخ ایران - رابرت - گرت واتسن - ترجمه‌ی وحید مازندرانی - انتشارات امیرکبیر - تهران ۱۳۴۸

۱۸- مجموعه‌ی بزرگ تاریخ ویل دورانت - ویل دورانت‌ها - ترجمه‌ی گروه مترجمین - انتشارات انقلاب اسلامی

۱۹- تاریخ ایران از دوره باستان تا قرن ۱۸ میلادی (۵ مورخ) پیگولوسکایا، یاکوبوسکی، پتروشفسکی، بلنیتسکی، استرویوا - ترجمه‌ی کریم کشاورز - انتشارات پیام - تهران ۱۳۵۴

۲۰- تاریخ مفصل مشروطیت ایران - عباس اسکندری - انتشارات میخک - تهران ۱۳۶۱

۲۱- مشرق‌زمین گاهواره تمدن - ویل دورانت - ترجمه‌ی دکتر امیرحسین آریان‌پور

۲۲- خاطرات و خطرات - مهدی‌قلی‌خان هدایت (حاج مخبرالسلطنه هدایت) نشر زوار - تهران ۱۳۶۱

۲۳- انقلاب مشروطه ایران - رحیم رضازاده ملک - نشر زوار - تهران ۱۳۷۷

۲۴- تمدن اسلام و عرب - گوستاو، لویون - ترجمه‌ی حضارة العرب - انتشارات اسلامیة - به کوشش: سید هاشم حسینی - تهران ۱۳۵۴

۲۵- ایران، کلد، شوش - مادام ژان ویولافوآ - ترجمه‌ی محمدعلی فره‌وشی - به کوشش دکتر بهرام فره‌وشی - انتشارات دانشگاه تهران - تهران ۱۳۶۹

۲۶- سفرنامه‌ی خاطرات کاوش‌های باستان‌شناسی شوش - مادام ژان ویولافوآ - ترجمه‌ی ایرج فره‌وسی - دانشگاه تهران ۱۳۶۹

۴- تاریخ طبرستان

۵- تاریخ مغول - عباس اقبال آشتیانی

۶- فرهنگ و تمدن ایران - محمود بختیاری

۷- هزار سال نثر پارسی - کریم کشاورز - ناشر سازمان کتاب‌های جیبی - تهران ۱۳۴۵

۸- دیوان‌های مختلف شاعران قرن سوم هجری به بعد

۹- ایران از آغاز تا اسلام - پروفیسور گیرشمن - ترجمه‌ی دکتر محمد معین

۱۰- تاریخ بیهقی - به کوشش: دکتر غنی - دکتر فیاض

۱۱- معجم‌البلدان - چاپ لایپزیک - کتاب‌خانه‌ی ملی بریتانیا

۱۲- راحه الصدور راوندی - چاپ لیدن - کتاب‌خانه‌ی ملی بریتانیا

۱۳- تاریخ دولت آل سلجوق - البنداری الاصفهانی

۱۴- مجموعه‌ی تاریخ ادبیات ایران - دکتر ذبیح‌الله صفا - انتشارات فردوس - چاپ چهاردهم - تهران ۱۳۷۸

بزرگی، چاقی و لاغری آن‌ها داد سخن داده‌اند که نامی‌ترین آن‌ها عبارتند از:

معزی، انوری، سنایی، فاریابی، خاقانی و....

**و شنیدنی‌تر آن که غلام‌شناسی و غلام‌بابی تخصص ویژه! این عصر است و استادان غلام‌شناس را عالم! و فیلسوف می‌نامیدند و اینان در شناخت و تفکیک مشخصات فیزیکی سر، صورت، گردن و بدن غلام‌ها، کارشناس! بودند و از این راه کارشناسی! به مال و ثروت زیادی دست می‌یافتند!**

ادامه دارد.

### کتاب‌نامه‌ی ۵۰۰۰ سال تاریخ فرهنگ و تمدن ایران

۱- قابوس‌نامه - قابوس بن وشمگیر

۲- تاریخ حبیب‌السیر - میرخواند

۳- تاریخ جهان‌گشای جوینی